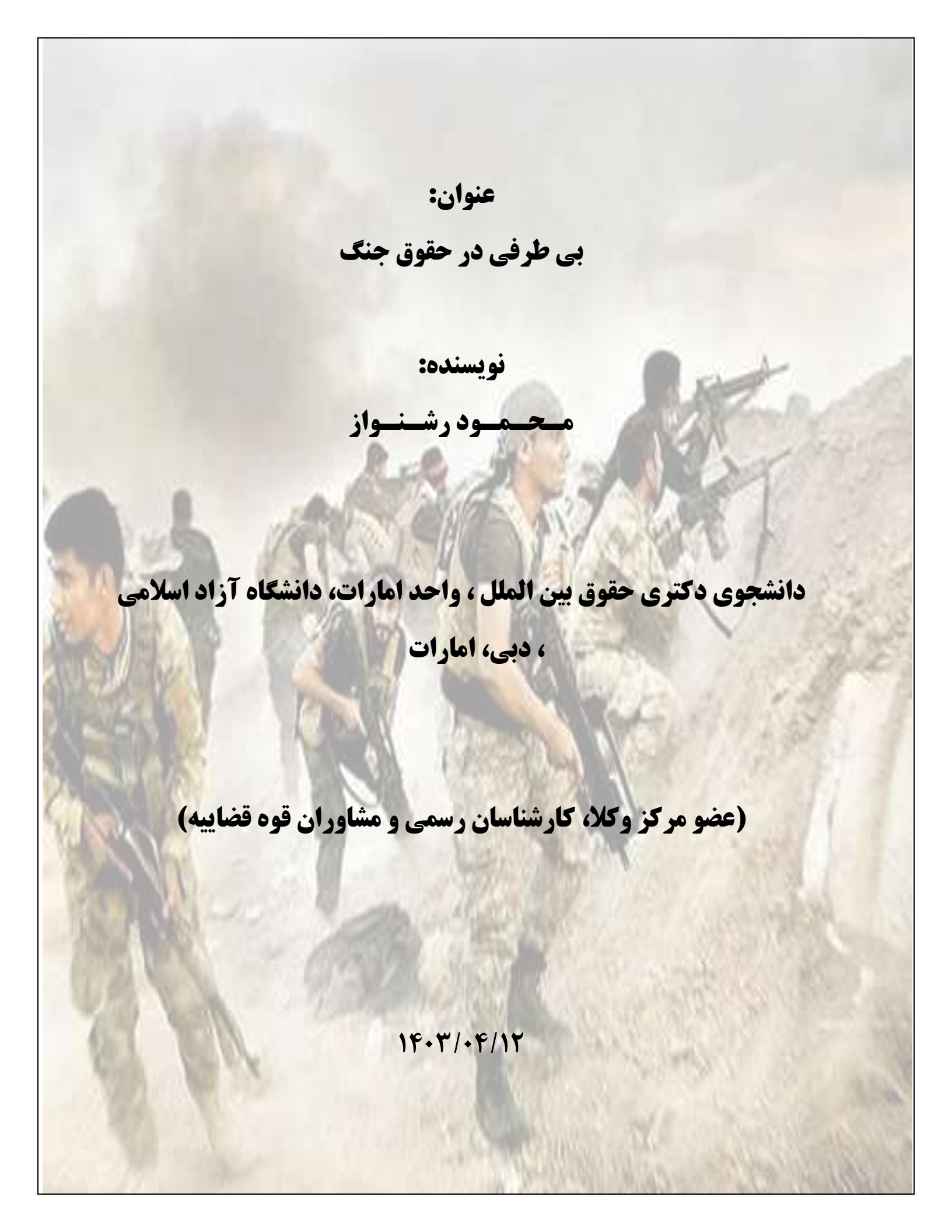




عنوان:

بی طرفی در حقوق جنگ

نویسنده:

محمود رشنواز

**دانشجوی دکتری حقوق بین الملل ، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی
، دبی، امارات**

(عضو مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران قوه قضاییه)

۱۴۰۳/۰۴/۱۲

(۱) مقدمه

واژه «بیطرفی» در زبان فارسی در برابر دو واژه [Neutralization] و [Neutrality] انگلیسی به کار می رود. واژه نخست به مفهوم بیطرفی در جنگ است،

این مطلب بر هیچ کس پوشیده نیست که خطر جنگ در هر کشوری که ظاهر شود خواه ناخواه آثار و انعکاسات آن در کشورهای دیگر هم مشهود و همانطور که خطرات آتش سوزی در یک خانه متوجه همسایگان و بلکه اشخاص دور دست هم گردیده و همه ساکنین یک شهر ذی نفع در خاموشی آن می شوند تا از زیان احتمالی برکنار شوند، در موقع جنگ نیز همسایگان کشورهای جنگجو به نوبه خود تصمیمات احتیاطی گرفته. حتی دول غیرهمجوار بر اثر عکس العمل های شدید جنگ و برای حفظ خود از مخاطرات احتمالی آن از هرگونه اقدامی دریغ نخواهند کرد.

دول بیطرف در طول نبردها چه حقوق و تکالیفی دارند که باید رعایت کنن؟ غالباً هر کشوری به هنگامی که در مقابل یک درگیری مسلحانه قرار میگیرد باید میان شرکت یا عدم شرکت در آن درگیری، یعنی میان جنگ و بی طرفی یکی را انتخاب کند.

بی طرفی از نظر بین المللی وضعیت حقوقی خاصی را ایجاد می کند- دول بی طرف در عین اینکه از جنگ برکنار اند باید در حفظ حقوق و منافع خود تصمیماتی بگیرند- کشورهای جنگجو نیز برای رعایت این بی طرفی موظف اند مقررات و قواعد بین المللی را انجام دهند بعبارت دیگر هرکدام از کشور ها دارای وظایف و حقوق مخصوصی هستند که در حقوق بین الملل تشریح شده است.

(۲) حقوق جنگ

در باب توسل به جنگ دودیدگاه حقوقی کاملاً متفاوت موجود است. یکی (Jus ad bellum) است که آنرا حقوق پیشگیری از جنگ نامیدند. و دیگری که بیشتر مرتبط با جنگ و جرایم ارتكابی نیروهای مسلح میباشد، (Jus in bello) یا حقوق جنگ و زمان درگیری است. مشخص شدن یک تعریف جامع از حقوق جنگ میتوان به روشن شدن ابعاد مسئولیت بین المللی طرفین درگیر در جنگ و بطور خاص اعمال ارتكابی خلاف نیروهای مسلح پرداخت. درحالت کلی میتوان گفت: «جنگ یک وضعیت استثنائی است و طبعاً قواعد مربوط به آن نیز به نام حقوق جنگ، قواعدی استثنائی میباشد. حقوق جنگ شامل مجموعه اصول و قواعدی است که حاکم بر روابط میان کشورهای متخاصم با یکدیگر و یا میان کشورهای متخاصم با کشورهای بیطرف میباشد. بمحض آغاز جنگ، بدون توجه به چگونگی شروع آن، کشورهای متخاصم دیگر تابع حقوق زمان صلح نیستند، بلکه از حقوق جنگ تبعیت خواهند نمود؛ چه این حقوق عرفی باشد، چه قراردادی. کشورهای ثالث (یعنی کشورهایی که در مخاصمه شرکت ندارند)، خواه حقوق جنگ را مراعات نمایند یا خیر نیز روابط خود را با کشورهای متخاصم تابع حقوق زمان صلح نمیسازند؛ بلکه از آن پس از حقوق بیطرفی تبعیت مینمایند».

(۳) مفهوم بی طرفی و اقسام آن

عقیده بنیادینی که مبنای مفهوم بی طرفی باشد، این است که کشورهای بیطرف ثالث شناخته می شوند. حیات چنین کشورهایی نباید از حالت جنگ متأثر شود. در نتیجه کشورهای متخاصم نباید آنها را در نبرد دخالت دهند و بایستی مصونیت مطلق آنها را رعایت کنند.

تکلیف متخاصمان، احترام به تمامیت ارضی و آزادی رفت و آمد کشورهای بی طرف است و در مقابل تکلیف کشورهای بی طرف، خودداری از هر گونه دخالت غیرحق در نبرد و نیز دادوستد با متخاصمان می باشد؛ این دو اصل محوره قراردادهای بی طرفی است. با این حال، طبق مقررات حقوق بین الملل - بی طرفی صرفاً برکنار ماندن از مخاصمه و نظاره کردن بر آن نیست، بلکه با متخاصمان در صلح زیستن را نیز ایجاب می کند.

بی طرفی، عبارت از وضعیت کشوری است که خود را در جنگ بین دو یا چند کشور دیگر به کلی اجنبی دانسته و از هرگونه اقدام مستقیم یا غیرمستقیم بر له یا علیه متخاصمین خودداری کند - بدیهی است شرط اصلی و اساسی وجود این وضعیت برخواستن جنگ بین دو کشور می باشد، و الا صرف وجود انقلاب داخلی در یک کشور و بروز دو دستگی در بین افراد موقعیت مزبور را ایجاب نمی کند. (حالت نامبرده تابع اصل دیگری از حقوق بین المللی است که بعدها مداخله نامیده می شود).

بی طرفی برای اینکه دارای جنبه رسمی، آثار واضح و غیرقابل تردید باشد؛ محتاج به اعلام رسمی و علنی است که از طرف حکومت قانونی به عمل آید. ابهام در وضعیت و رفتار هرکشوری ممکن است موجب سوء تفاهمات شود.

یا لاقلاً بهانه به دست کشور های متخاصم داده و تعبیرات مخالفی را ایجاب میکند. و یا در صورت وجود دوستی قبلی بین آن کشور و یکی از متخاصمین؛ ابهام و سکوت مزبور، بیشتر ایجاد سوء ظن و تفسیر می نماید. چنانچه در جنگ بین المللی (۱۹۱۴-۱۹۱۸)، ایتالیا که از دوستان نزدیک آلمان بود فوراً و بطور صریح بی طرفی خود را اعلام نمود. علاقه کشورهای جدید در اعلام بی طرفی خود، بیشتر برای حفظ و رعایت اصول فوق است.

(۴) اقسام بی طرفی

وضعیت مزبور به چند قسم ممکن است پیش آید، بطور دائم، موقت، مشروط، مطلق و مسلحانه

(۱-۴) بی طرفی دائم

بیشتر بر اثر مداخله دیگران و از نظر موقعیت طبیعی و جغرافیائی کشور بیطرف پیش می آید. مثل آنکه موقعیت سوییس در بین سه کشور معظم جهان همه را بر آن داشته که بیطرفی آنرا تضمین و متعهد باشند و هیچکدام به تمامیت ارضی و استقلال کشور مزبور تجاوز نکنند. بنابراین این نوع بی طرفی در نتیجه تعهد و اخبار حادث میشود. تعهد برای کشورهای دیگر در خصوص کشور بی طرف به شرح رو به رو است: اجبار در ضمانت از کشور بی طرف، خارج نشدن از وضعیت مزبور (توسط کشور بی طرف)، و صرف نظر کردن از حق حاکمیت مطلق به نفع استقلال و تمامیت ارضی کشور بی طرف.

(۲-۴) بی طرفی موقتی

حالتی است که در موقع جنگ پیش آمده و بر اثر تقسیم صریح حکومت با تشخیص موقعیت، مقتضیات و مصالح کشور ظاهر میگردد. در اینصورت و بطوری که از خود عنوان نیز مفهوم میشود، این تقسیم موقتی بوده و هر هنگام که دولت مقتضی صلاح دید، میتواند آن را بر هم زند و هیچ وابستگی با تعهدات خارجی ندارد.

(۳-۴) بی طرفی مشروط

ناشی از وضعیت موقتی است که بر اثر خطرناک بودن موقعیت و مجهول بودن آینده جنگ و فواید یا ضرر آن برای یک دولت پیش می آید. مثلاً در عین اینکه کشوری مایل است در جنگ بین دو دولت بیگانه بماند، بی نهایت نیز علاقه مند است که جنگ مزبور بین آنها محدود بوده و ثالثی به نفع یا ضرر دیگری وارد آن نشود. در عین حال برای آنکه رویه او برای دولت ثالث روشن بوده و هرگونه احتمال ابهام، سوء تعبیر یا نتیجه را از وارد شدن او در جنگ مرتفع سازد، بی طرفی خود را مشروط نموده و اعلام می کند.

(۴-۴) بی طرفی مطلق

دولت از نظر حفظ تمامیت ارضی و استقلال خود به هیچ وجه صلاح نمی داند، در هیچ حالتی داخل ستیز گردد. مثلاً هزاران کیلومتر از محل وقوع جنگ و حوزه منافع متخاصمین بدور است یا قوای دفاعی او اجازه ورود به جنگ را نمی دهد.

۴-۵) بی طرفی مسلحانه

وقتی است که دولت از نظر احتمال عواقب وخیم جنگ و انعکاسات شدید به آن کشور، خود برای دور کردن میدان جنگ و حفظ بیطرفی خویش، تصمیم میگیرد در عین عدم مداخله در جنگ دو کشور، از حقوق و خاک و منافع حیاتی خود که ممکن است بر اثر این گیر و دار و مخاصمه، هدف قهری یا اختیاری واقع شود دفاع کند. پس اگر بینیم کشور بیطرفی مسلح شود نباید موجب شگفت گردد. چنانچه در جنگ استقلال آتازونی، کشور های شمالی اروپا برای حفظ بیطرفی و حمایت از تجارت خود، با همدیگر اتحاد و بیطرفی مسلحانه اعلام کردند. در جنگ بین المللی هلند و سوییس نیز برای جلوگیری از تجاوزات قهری کشورهای متخاصم مسلح شدند. تنها عیب آن این است که حالت مزبور مورد سوء ظن یا تعبیر یکی از متخاصمین می گردید و بهانه برای حمله به کشور بی طرف بدست داده است و باعث تشویش و اضطراب می گردید - در اینصورت اتخاذ این تصمیم بسته به قدرت هر کشور و خطرات احتمالی است که منافع یا تمامیت ارضی او را تهدید میکند- اگر منافع و استقلال کشور در خطر نباشد، از اقدام به مسلح شدن حتی المقدور و مخصوصاً با مشکلات و مخارج هنگفت آن صرف نظر می شود.

۵) اصل احترام به حریم هوایی کشور بی طرف

یکی از اصول مهم در خصوص بی طرفی، اصل محترم شمردن حریم هوایی کشور های بی طرف است. آنگونه که در ماده 2 کنوانسیون لاهه 1923 آمده است، حتی در دوران جنگ تمام کشورها چه متخاصم و چه بی طرف می توانند با اعمال و اجرای قوانینی حرکت هواپیماها را در محدوده خود منع یا کنترل کنند. بنابراین حق گذر همواره برای دول به رسمیت شناخته شده ولی اصولاً طبق مقررات خاص کنترل یا منع می شود. با این وجود ماده 39 کنوانسیون 1923 لاهه میگوید هواپیماهای متخاصم باید حق دولت های بی طرف را به رسمیت بشناسند و از وارد شدن به سرحدات دولت های بی طرف و عمل کردن برخلاف قواعد پیشگیرانه خودداری کنند. تعریف حریم هوایی کشورهای بی طرف را می توان از ماده 14 دستورالعمل سان رمو، استنباط نمود که این تعریف در بردارنده تمام مناطق سرحدات خاکی، هوایی و آبی دولت های بی طرف است.

ماده 23 دستورالعمل سان رمو نیز بیان داشته است که هواپیماهای نظامی کمکی می توانند از سرحدات بین المللی کشور بی طرف طبق مقررات حقوق بین المللی عبور کنند و مواد ۲۴ و ۲۵ نیز بر این موضوعات تاکید نموده است.

ماده 37 کنوانسیون 1949 ژنو و ماده 40 کنوانسیون دوم ژنو همچنین در خصوص ورود به حریم هوایی کشورهای بیطرف اذعان نموده اند که ناوهای هوایی و هواپیماهای پزشکی در صورتی می توانند بر فراز کشورهای

بیطرف پرواز کنند که قبلاً عبور خود را به این کشورها اطلاع دهند و در ارتفاعات و ساعات و مسیرهایی که قبلاً در قرار داد مندرج شده است پرواز کنند.

ماده 31 پروتکل اول الحاقی نیز در خصوص هواپیماهای پزشکی به این موارد اشاره داشته است. بنابراین در خصوص حفظ حریم هوایی کشورهای بی طرف، بخش اساسی و عمده، قراردادهای بین کشورهاست که مورد توجه خاص است و کشورها همواره می توانند ممنوعیت یا محدودیت هایی را برای سایر دول متخاصم ایجاد کنند.

۶) مقررات لازم الرعایه نسبت به کشورهای بی طرف

الف) آزادی حمل و نقل هوایی بازرگانی با کشورهای متخاصم: از نظردیدگاه حقوقی، کشورهای بی طرف می توانند با کشورهای دیگر حتی کشورهای متخاصم روابط تجاری داشته باشند. هواپیماهای تجاری بی طرف، مطابق قانون می توانند تردد هوایی داشته باشند. محدودیت های این هواپیماها در ماده 67 دستورالعمل سان رمو آمده است.

ب) حق پناه دادن به خلبانان فراری کشورهای متخاصم: کشورهای بی طرف می توانند به کلیه افراد نظامی کشورهای متخاصم اعم از فراری، اسیران جنگی و بیماران و مجروحان جنگی پناه دهد و از آنها نگهداری کنند. این اعمال جز اعمال بشر دوستانه است و تنها برای این اعمال می شود که خدمتی به بشریت شود و در این راستا کشور بی طرف نباید از بی طرفی عدول کند و آنها را اسیر جنگی بگیرد و یا از طرف دیگر، آنها را تجهیز کند و باعث تضعیف طرف دیگر مخاصمه شود. از این رو به کشور بی طرف اجازه داده شد که آنان را در اردوگاه های مخصوص نگهداری نموده و یا آزاد کند. ماده ۱۳ عهدنامه ۵ لاهه در خصوص بی طرفی به این مهم اشاره نمود.

- ((ماده ۱۳ عهدنامه ۵ لاهه: دولت بی طرف که پذیرای زندانیان جنگی است باید آنها را آزاد بگذارد. اگر به آنها اجازه ماندن در کشورش را بدهد می تواند محلی برای اسکان آنها معین کند. این قانون در مورد زندانیان جنگی که همراه با ارتش متخاصم به کشور بیطرف پناه می آورند، صدق می کند.))

پاراگراف آخر ماده ۳۷ کنوانسیون اول ژنو ۱۹۴۹ بیان نموده که زخمی ها و بیماران که با موافقت زمامداران محلی به وسیله هواپیماهای بهداری در خاک بی طرف پیاده میشوند، باید توسط آن کشور بی طرف در مواردی که حقوق بین المللی مقرر می دارد نگه داشته شوند تا نتوانند مجدداً در عملیات جنگی شرکت نمایند. مگر آنکه در این خصوص قرار دیگری بین دولت بی طرف با دولت های متخاصم منعقد شده باشد. هزینه بیمارستان و نگهداری این اشخاص به عهده دولت متبوع آنان خواهد بود.

ج) حق دفاع از قلمرو هوایی خود: در این خصوص ماده ۴۰ قواعد ۱۹۲۳ لاهه می گوید که نیروهای نظامی دول متخاصم نمی توانند وارد حریم هوایی کشورهای بی طرف شوند. به نظر می رسد این ممنوعیت شامل

پرواز بر سر حداث نیز می شود که اخیراً در بند ۸ دستورالعمل سان رمو ۱۹۹۴ نیز آمده است. چنانکه ماده ۴۲ کنوانسیون ۱۹۲۳ لاهه بیان نموده است، یک دولت بی طرف باید با استفاده از ابزارهایی که در دست دارد مانع از ورود هواپیماهای متخاصم به سر حداثش شود و اگر وارد قلمرو او شدند آنها را وادار به فرود کنند. یک دولت بی طرف با استفاده از تمام وسایل در اختیار خود باید هواپیماهای نظامی نیروی متخاصم را به همراه خدمه و مسافران آن (هر چند نفر که باشند) پس از فرود (به هر دلیلی) در محدوده تحت صلاحیت خود بازداشت کند. ماده ۴۶ کنوانسیون لاهه نیز به دولت بی طرف اجازه داده است، از هر وسیله ای استفاده کند تا هر هواپیمایی که بیم آمادگی حمله به نیروهای متخاصم از آن می رود و از هواپیماهایی که در بین اعضای آن نیروی نظامی هستند، جلوگیری کند. برای سایر هواپیماها نیز مسیر معینی را مشخص و ضمانت هایی را معین کند که آن هواپیما فقط از همان مسیر تردد خواهد کرد. ماده ۱۰ عهدنامه پنجم لاهه درخصوص بی طرفی نیز به این مهم اشاره نموده است که این اعمال به عنوان اقداماتی خصمانه در نظر گرفته نمی شوند.

(د) اجازه عبور به هواناوهای حامل بیماران و مجروحان جنگی: ماده ۱۸۱ دستورالعمل سن رمو بیان

نموده است که هواپیماهای پزشکی نیروهای متخاصم فقط با موافقت نامه قبلی میتوانند وارد حریم هوایی کشور بی طرف شوند و باید بعد از ورود طبق موافقت نامه عمل کنند و اگر برای بازرسی ملزم به فرود شوند باید در فرودگاه تعیین شده در کشور بی طرف فرود آیند. در ماده ۱۸۲ همین دستورالعمل آمده است که، اگر توافق نامه قبلی وجود نداشت و یا به دلیل سرپیچی از مفاد موافقتنامه، هواپیمای پزشکی وارد حریم بی طرف شد (به دلیل اشتباه یا اضطرار) باید به کشور بی طرف مشخصات شناسایی خود را اعلام کند و در صورت شناسایی این هواپیما به عنوان هواپیمای پزشکی، نباید مورد حمله از سوی کشور بی طرف قرار گیرد و مجاز به ادامه مسیر خود می باشد اما اگر مشخص شد که هواپیما پزشکی نیست، قابل توقیف و مصادره است و خدمه آن طبق مقررات حقوق بین الملل در کشور بی طرف بازداشت میشوند.

ماده ۴ عهدنامه پنجم لاهه نیز بیان نموده که کشور بی طرف می تواند اجازه دهد که مجروحان از قلمروی او عبور کنند؛ به شرط آنکه نیروی نظامی و لوازم جنگی همراه آنان نباشند.

(ذ) حق غنیمت گیری انواع هواپیماهایی که به قلمرو کشور بی طرف تجاوز می کنند. همانطور که

در بند ۳ بیان شد، کشورهای متخاصم برای عبور و مرور بر فراز کشور بی طرف باید قواعدی را رعایت کنند و اگر سرباز زنند دولت بی طرف می تواند آنان را توقیف کند.

(۷) تکالیف دول بی طرف

۱-۷) منع تجهیز و تدارک جنگی متخاصمان: در ماده ۴۴ کنوانسیون ۱۹۲۳ لاهه آمده است که، کمک مستقیم و غیرمستقیم دولت بی طرف به هواپیماهای نیروی متخاصم و دادن مهمات و محموله های لازم برای هواپیما، ممنوع است. گر چه دولت های بی طرف برای تجارت آزاد هستند، اما باید از جانبداری و انجام معاملاتی که باعث تقویت جبهه یکی از متخاصمان شود، خودداری کنند. کشورهای بیطرف نباید دامنه جنگ را تشدید کنند و کالاهایی را که جهت عملیات نظامی لازم است، تحویل متخاصمان دهند.

۲-۷) منع ارائه اطلاعات نظامی به متخاصمان: دادن اطلاعات نظامی به کشورهای متخاصم موجب

خروج

ثالث از بی طرفی در جنگ خواهد شد و انجام این کار از سوی کشور بیطرف ممنوع است.

۳-۷) منع اجازه عبور یا توقف به یکی از نیروهای متخاصم

۴-۷) عدم جانبداری از طرفین متخاصم ماده ۹ عهدنامه پنجم لاهه کشور بیطرف را ملزم میکند که

با

متخاصمان رفتاری یکسان داشته باشد. تمام ممنوعیت های موجود برای متخاصمان به صورت یکسان اجرا و اعمال شود.

۸) نتیجه گیری

اصل بی طرفی قدمت طولانی دارد. اکثر مقررات عرفی و نوشته حاکم بر رفتار طرفین مخاصمه و دولت‌های بی طرف از مدت‌ها قبل وجود داشته است. کنوانسیون پنجم و کنوانسیون سیزدهم لاهه حاوی مقرراتی در این مورد می‌باشند. اعلام بی طرفی برای هر دو طرف دارای آثاری است. دولتی که اعلام بی طرفی می‌کند، نباید از سوی هر یک از دول متخاصم مورد حمله قرار گیرد و دول متخاصم نیز اطمینان خاطر می‌یابد که از قلمروی دولت بی طرف برای حمله به آنها استفاده نخواهد شد. در حقوق اسلام نیز به بی طرفی توجه شده است. این اصل در قرآن کریم مطرح گردید که طبق آن جنگ با گروه بی طرف مردود شمرده شده است.

با توجه به اینکه جنگ‌ها داری ویژگی‌های خاصی از جمله سرعت می‌باشند و جنگ با ابزارهای هوایی این قدرت را دارند که در مدت زمان کوتاهی کشوری را با خاک یکسان کنند، باید تابع قواعد خاصی باشند که البته چنین است و قواعد بشر دوستانه بین المللی این جنگ‌ها را پوشش می‌دهد. اما در این میان کشورهای بی طرف نیز مورد توجه خاص قرار گرفته‌اند. زمانی که کشوری در یک نبرد خود را به عنوان بیطرف معرفی میکند باید در درجه اول رفتاری که اجرا می‌کند برای تمام کشورهای متخاصم و غیر متخاصم یکسان باشد و اگر حقوقی را برای دول ایجاد می‌کند و یا مانعی برای رفت و آمد هواپیماهای کشورها دارد، بدون هیچگونه تبعیضی برای تمامی کشورها اعمال شود. دول درگیر جنگ نیز باید تمامیت ارضی کشور بی طرف را مورد احترام قرار دهد.

در خصوص عبور و مرور هواپیماها بر فراز کشورهای بیطرف اینگونه میتوان نتیجه گرفت که، اگر هواپیمای نظامی بخواهد بر فراز دول بیطرف حرکت کند، دول بیطرف میتوانند آن را مورد حمله قرار دهد. مگر اینکه قبلاً اجازه ورود گرفته و از همان مسیر تعیین شده از سوی دولت بیطرف عبور کند. اگر دولتها حقوق بیطرفی کشور بیطرف را به رسمیت بشناسند و از تجاوز به حریم دول بی طرف خودداری کنند، باعث محدود شدن دامنه جنگ‌ها شده و قطعاً افراد کمتری آسیب می‌بینند. بنابراین آنگونه مشخص شد که با استفاده از قواعد پراکنده موجود می‌توان تا حدودی مباحث بی طرفی را پوشش داد. حال آنکه امروز این پدیده به یک مسأله اساسی در حقوق جنگ تبدیل شده و این نیاز احساس می‌شود که با توجه به پیشرفت وسایل جنگی هوایی، اصول مهم تر و موşkافانه تری پیش بینی شوند تا به حقوق دول بی طرف صدمه ای وارد نشود.

در مورد اینکه، اگر دولتی عضو سازمان ملل متحد بوده باشد می‌تواند به هنگام به خطر افتادن امنیت دسته جمعی اعلام بی طرفی نماید یا نه؟ تا کنون رویه‌ای شکل نگرفته و این موضوع همچنان مورد بحث می‌باشد.

Title:
Neutrality in the law of war

the writer:

Mahmoud Rashnavaz

Doctoral student of International Law, Emirates
Branch, Islamic Azad University, Dubai, UAE

**member of the center of lawyers, official experts
and consultants of the judiciary**

2024 - 7 - 2